

ناهماهنگی در توزیع مکانی جمعیت ایران

دکتر علی اصغر مهاجرانی^۱

چکیده:

چگونگی توزیع مکانی جمعیت، یکی از مباحث مهم ساختار جمعیت است. جمعیت ایران توزیعی نامتناسب و نامتعادل دارد که ناشی از عوامل متنوع طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی است. از آنجا که عوامل مذکور اثر همدیگر را تشدید یا خنثی نموده، تعیین تأثیر جداگانه آنها امکان پذیر نیست.

ناحیه جغرافیائی شمال و شمالغرب، متراکمترین نواحی ایران است. در مقابل، نواحی جنوب شرق و شرق، جمعیت پراکنده ای دارند. از نظر تراکم حسابی، تهران پرتراکمترین و سمنان کم تراکمترین استانهای ایران هستند؛ و بیشترین و کمترین تراکم زیستی در استانهای تهران و زنجان دیده می شود.

شهر نشینی در ایران، رشدی شتابان داشته و در فاصله سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ نسبت شهر نشینی به بیش از دو برابر رسیده است. تعداد شهرها نیز در این فاصله بیش از پنج برابر شده اند. شهرهای بزرگ سهم عمده ای از جمعیت شهری را به خود اختصاص داده و بیش از $\frac{2}{3}$ جمعیت شهری ایران در شهرهای صد هزار نفری و بیشتر جای گرفته اند. سهم پنج کلان شهر یک میلیونی و بیشتر حدود $\frac{1}{6}$ و ۱۳ شهر پانصد هزار نفری و بیشتر نزدیک به $\frac{1}{4}$ جمعیت شهری است. تغییرات مهمی نیز در شبکه شهری و الگوی سلسله مراتب شهری ایران پیش آمده است.

تعدادنقاط روستائی ایران از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ نوسان مختصری داشته است. بیشترین تراکم در روستاهای ۱۰۰ تا ۲۵۰۰ نفری دیده می شود که در مجموع نزدیک به $\frac{3}{4}$ جمعیت روستائی را شامل می شوند.

در سرشماری های نفوس و مسکن، جمعیت عشایری جزء جمعیت روستائی به حساب آمده است. در سه سرشماری جداگانه عشایر کوچرو که در سالهای ۱۳۶۶، ۱۳۷۷، ۱۳۸۷ به عمل آمده، تغییرات مختصری در توزیع جمعیت عشایری دیده می شود.

واژگان کلیدی:

تراکم جمعیت، نسبت شهر نشینی - روستا نشینی، شبکه شهری، سلسله مراتب شهری، جمعیت عشایری

^۱ - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

مقدمه :

یکی از مباحث مهم ساختار جمعیت، توزیع مکانی آنست. در بحث توزیع مکانی چگونگی تراکم جمعیت در سرزمین، نواحی جغرافیائی، تقسیمات کشوری و تغییرات نسبت شهرنشینی - روستا نشینی، سلسله مراتب شهری و شبکه شهری و چگونگی توزیع جمعیت روستائی و عشایری مورد مطالعه قرار می گیرد.

جمعیت ایران به صورت نامتعادل و نامتناسبی توزیع شده است. در برخی قسمتها جمعیت انبوه است و در پاره ای مناطق جمعیت پراکنده ای زندگی می کند. بعضی مناطق شهری سهم عمده ای از جمعیت را در خود جای داده اند و در مقابل، نقاط مسکونی بسیاری دارای جمعیت اندکی هستند. عوامل مختلفی سبب این توزیع نامتعادل و نامتناسب شده اند که می توان آنها را در دسته های متنوعی مانند عوامل طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی، فرهنگی و ... تقسیم بندی کرد. اما تفکیک اثرات هر یک از این عوامل بر توزیع جمعیت ایران کاری غیر ممکن؛ زیرا که در اکثر موارد چند عامل در ارتباط با یکدیگر اثر مضاعف داشته و یا اثر همدیگر را خنثی کرده یا کاهش داده اند. قدرت و تاثیر عوامل مذکور بر حسب نوع معیشت جوامع شهری، روستائی و عشایری متفاوت بوده است. چنانکه در توزیع جمعیت روستائی و عشایری، عوامل طبیعی نقش تعیین کننده داشته و در مقابل، در توزیع جمعیت شهری، عوامل انسانی نظیر صنعت، تجارت و راه تاثیر فراوان داشته است. بعلاوه همراه با تکامل فرهنگ و تمدن و بویژه دستیابی به تکنولوژی جدید ماشینی، که به تسلط انسان بر طبیعت انجامیده، اثر عوامل طبیعی کاهش قابل توجهی یافته است. گسترش صنعت ماشینی و رواج تجارت، احداث شهرها و شهرکها و مناطق کشاورزی جدید و توسعه راهها و رواج وسائط نقلیه گوناگون دوره ی تازه ای از رشد و تحول و جابه جایی جمعیت را همراه داشته است. آنچه اکنون به عنوان مسئله اساسی در روند توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران مطرح است سرعت شتابان رشد شهرنشینی و هجوم مهاجرین روستائی و شهرهای کوچک و متوسط به شهرهای بزرگ و تمرکز جمعیت در تعدادی اندک از تعداد پر شمار شهرهای ایران و

ایجاد ناهماهنگی بیشتر در توزیع جمعیت ایران است. در این مقاله به توصیف و چگونگی توزیع جمعیت ایران پرداخته و تغییرات آن را در چند دهه اخیر تجزیه و تحلیل خواهیم کرد.

۱- توزیع برحسب نواحی جغرافیائی:

محیط و شرائط جغرافیایی در ایران دارای تنوع بسیار است و هر ناحیه جغرافیایی دارای ویژگی‌هایی از نظر آب و هوا (میزان و فصل بارندگی، درجه حرارت، رطوبت، فشار و باد) پوشش گیاهی و نوع خاک می باشد که آن را از سایر نواحی متمایز می کند. این شرایط خود تحت تاثیر مجموعه عوامل دیگری از قبیل طول و عرض جغرافیایی، دوری و نزدیکی به دریا، ارتفاع یا پستی و بلندی و موقعیت محلی است. با توجه به عوامل مذکور می توان سرزمین ایران را به نواحی مختلفی تقسیم کرد. با در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی و محدودیت های داده های جمعیتی و اطلاعات مورد لزوم در مورد وسعت و تعداد جمعیت هر ناحیه، ایران را به هفت ناحیه جغرافیایی تقسیم کرده ایم. مسئله ای که در بررسی توزیع جمعیت در مناطق مختلف جغرافیایی وجود دارد، عدم انطباق آمارهای جمعیتی و مساحتها بر مبنای تقسیمات کشوری (محدوده استانها) با تقسیمات مناطق جغرافیایی است. از این روی در این تقسیم بندی مرز و حدود بین نواحی جغرافیایی تقریبی است و قسمتهائی از یک ناحیه جغرافیائی ممکن است در داخل ناحیه دیگری باشد:

۱- ناحیه شمالی: شامل استان های گیلان، مازندران و گلستان،

۲- ناحیه شمالغربی: شامل استان های آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل و زنجان،

۳- ناحیه کوهپایه ها و دشت های مرکزی: شامل استان های تهران، قزوین، قم، مرکزی، سمنان، اصفهان، یزد و کرمان،

۴- ناحیه زاگرس: شامل استان های همدان، کردستان، کرمانشاه، لرستان، ایلام، چهار محال بختیاری، فارس و کهگیلویه و بویراحمد.

۵- ناحیه نوار ساحلی جنوب: شامل استان های خوزستان، بوشهر و هرمزگان.

۶- ناحیه شرق و جنوب شرقی: شامل استان های سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی.

۷- ناحیه شمال شرقی: شامل استان خراسان رضوی و خراسان شمالی.

جدول شماره ۱- توزیع جمعیت در نواحی مختلف جغرافیایی - ۱۳۸۵

نواحی جغرافیایی	تعداد جمعیت	درصد	مقدار مساحت به کیلومتر مربع	درصد	جمعیت در کیلومتر مربع	جمعیت به مساحت*
جمع	۷۰۴۹۵۷۸۲	۱۰۰	۱۶۲۸۵۵۴	۱۰۰	۴۳/۳	۱
ناحیه شمال	۶۹۴۴۳۸۰	۹/۹	۵۷۹۳۸	۳/۵	۱۱۹/۸	۲/۸
ناحیه شمال غربی	۸۶۶۹۷۰۷	۱۲/۳	۱۲۲۶۶۰	۷/۵	۷۰/۷	۱/۶
ناحیه کوهپایه ها و دشتهای مرکزی	۲۵۷۵۵۷۸۹	۳۶/۵	۵۸۹۶۶۰	۳۶/۲	۴۳/۷	۱
ناحیه زاگرس	۱۳۱۱۴۲۰۴	۱۸/۶	۲۷۶۳۷۴	۱۷	۴۷/۴	۱/۱
ناحیه نوار ساحلی جنوب	۶۵۶۴۹۲۰	۹/۳	۱۵۷۴۶۷	۹/۷	۴۱/۷	۰/۹
ناحیه شمال شرقی	۶۴۰۴۶۵۱	۹/۱	۱۵۴۲۶۶	۹/۵	۴۱/۵	۰/۹
ناحیه شرق و جنوب شرقی	۳۰۴۲۱۶۲	۴/۳	۲۷۰۱۸۹	۱۶/۶	۱۱/۲	۰/۳

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، نتایج کلی، کل کشور

* درصد جمعیت تقسیم بر درصد مساحت

چنانچه از جدول شماره ۱ برمی آید، از میان نواحی جغرافیایی ایران، ناحیه شمالی و سپس ناحیه شمالغربی بیشترین تراکم جمعیت یعنی حدود ۱۲۰ و ۷۰ نفر در کیلومتر مربع را دارند. کمترین تراکم از آن ناحیه شرق و جنوب شرقی است با حدود ۱۱ نفر در کیلومتر مربع. نواحی دیگر جغرافیایی تراکم جمعیتی نزدیک با تراکم کل کشور دارند. شاخص نسبت جمعیت به مساحت در ناحیه شمالی ۲/۸ برابر کل کشور و در ناحیه شمالغربی ۱/۶ می باشد در حالیکه در ناحیه شرق و جنوب شرق این شاخص ۰/۳ یعنی حدود یک سوم کل کشور است.

۲- تراکم حسابی (عددی):

تراکم حسابی یا جمعیت نسبی از تقسیم تعداد جمعیت به مساحت بدست می آید. در سال ۱۳۳۵ تراکم حسابی جمعیت ایران ۱۱/۵ نفر در کیلومتر مربع و در سال ۱۳۴۵، ۱۵/۶ نفر، در سال ۱۳۵۵،

۲۰/۴ نفر، در سال ۱۳۶۵، ۳۰ نفر، در سال ۱۳۷۵، ۳۷ نفر و در سال ۱۳۸۵، ۴۳/۳ نفر در کیلومتر مربع بوده است.

از نظر تراکم حسابی جمعیت، اختلاف زیادی بین استان‌های مختلف کشور مشاهده می‌شود. طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ بالاترین تراکم در استان تهران با ۷۱۳ نفر در کیلومتر مربع و کمترین تراکم در استان سمنان با ۶ نفر در کیلومتر مربع دیده می‌شود. پس از تهران استان‌های گیلان با ۱۷۱ نفر، استان مازندران با ۱۲۳ نفر، استان قم با ۹۱ نفر، استان همدان با ۸۸ نفر و استان گلستان با ۸۰ نفر در کیلومتر مربع قرار دارند. در مقابل کمترین تراکم پس از استان سمنان در استان‌های خراسان جنوبی با ۷ نفر، استان یزد با ۸ نفر، استان سیستان و بلوچستان با ۱۳ نفر و استان کرمان با ۱۵ نفر در کیلومتر مربع دیده می‌شود (جدول شماره ۲).

۳- تراکم زیستی:

شاخص تراکم زیستی نسبت جمعیت را به زمینهای قابل کشت (زیر کشت، آیش، باغ و قلمستان) نشان می‌دهد. شایان ذکر است که ارزش زمینهای کشاورزی، گذشته از مساحت در رابطه با مقدار آب، نوع آب و هوا، جنس خاک و تکنولوژی بکار گرفته شده که مقدار و نوع محصول را مشخص می‌کند، متفاوت است. لذا تراکم زیستی نیز نمی‌تواند معیار دقیقی برای فشار جمعیت بر زمینهای کشاورزی باشد.

طبق سرشماری عمومی کشاورزی سال ۱۳۸۲، وسعت زمینهای قابل کشت ایران در سال مذکور ۱۷۶۶۵۱۹۸ هکتار بوده که بر مبنای آن تراکم زیستی در کل کشور ۴ نفر به ازاء هر هکتار زمین کشاورزی است. تراکم زیستی نیز همانند تراکم حسابی در استان‌های مختلف تفاوت دارد. بیشترین تراکم در استان تهران ۶۰/۷ نفر در هکتار و کمترین تراکم در استان زنجان ۱/۳ نفر در هکتار دیده می‌شود. پس از تهران استان قم ۱۳ نفر، هرمزگان ۱۰/۹ نفر، اصفهان ۱۰/۷ نفر، سیستان و بلوچستان ۹/۸ نفر، استان گیلان با ۹/۵ نفر در هکتار و در مقابل پس از زنجان، کمترین تراکم

زیستی در استان کردستان با ۱/۵ نفر در هکتار و استان های اردبیل، ایلام و خراسان شمالی با ۱/۷ نفر در هکتار قرار داشته اند (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲- تراکم حسابی و زیستی در استانهای کشور

نام استان	تعداد جمعیت	مساحت کیلومتر مربع	زمینهای قابل کشت هکتار *	تراکم حسابی **	تراکم زیستی
کل کشور	۷۰۴۹۵۷۸۲	۱۶۲۸۵۵۴	۱۷۶۶۵۱۹۸	۴۳	۴
آذربایجان شرقی	۳۶۰۳۴۵۶	۴۵۶۵۰	۱۳۱۹۷۱۳	۷۹	۲/۷
آذربایجان غربی	۲۸۷۳۴۵۹	۳۷۴۳۷	۸۸۷۱۸۷	۷۷	۳/۲
اردبیل	۱۲۲۸۱۵۵	۱۷۸۰۰	۷۳۱۱۶۷	۶۹	۱/۷
اصفهان	۴۵۵۹۲۵۶	۱۰۷۰۲۹	۵۲۳۸۵۸	۴۳	۱۰/۷
ایلام	۵۴۵۷۸۷	۲۰۱۳۳	۳۲۲۶۵۵	۲۷	۱/۷
بوشهر	۸۸۶۲۶۷	۲۲۷۴۲	۳۴۸۶۴۱	۳۹	۲/۵
تهران	۱۳۴۲۲۳۶۶	۱۸۸۱۴	۲۲۱۲۵۶	۷۱۳	۶۰/۷
چهارمحال و بختیاری	۸۵۷۹۱۰	۱۶۳۳۲	۱۹۴۸۱۳	۵۳	۴/۴
خراسان جنوبی	۶۳۶۴۲۰	۸۸۴۰۴	۱۴۹۶۵۳	۷	۴/۲
خراسان رضوی	۵۵۹۳۰۷۹	۱۲۵۸۳۲	۱۲۲۵۹۴۱	۴۴	۲/۵
خراسان شمالی	۸۱۱۵۷۲	۲۸۴۳۴	۴۷۳۶۶۹	۲۹	۱/۷
خوزستان	۴۲۷۴۹۷۹	۶۴۰۵۵	۱۲۶۶۱۲۳	۶۷	۳/۴
زنجان	۹۶۴۶۰۱	۲۱۷۷۳	۷۳۷۹۹۷	۴۴	۱/۳
سمنان	۵۸۹۷۴۲	۹۷۴۹۱	۱۵۳۸۲۶	۶	۳/۸
سیستان و بلوچستان	۲۴۰۵۷۴۲	۱۸۱۷۸۵	۲۴۵۳۲۸	۱۳	۹/۸
فارس	۴۳۳۶۸۷۸	۱۲۲۶۰۸	۱۲۵۴۱۱	۳۵	۳/۴
قزوین	۱۱۴۳۲۰۰	۱۵۵۴۹	۴۱۳۸۹۵	۷۴	۲/۸
قم	۱۰۴۶۳۷	۱۱۵۲۶	۸۰۶۶۲	۹۱	۱۳
کردستان	۱۴۴۰۱۵۶	۲۹۱۳۷	۹۴۰۶۰۹	۴۹	۱/۵
کرمان	۲۶۵۲۴۱۳	۱۸۰۸۳۶	۶۶۷۶۳۳	۱۵	۴
کرمانشاه	۱۸۷۹۳۸۵	۳۴۹۹۸	۷۵۱۰۱۲	۷۵	۲/۵
کهگیلویه و بویر احمد	۶۳۴۲۹۹	۱۵۵۰۴	۱۵۷۲۵۱	۴۱	۴
گلستان	۱۶۱۷۰۸۷	۲۰۱۹۵	۵۳۸۹۶۷	۸۰	۳
گیلان	۲۴۰۴۸۶۱	۱۴۰۴۲	۲۵۳۴۰۳	۱۷۱	۹/۵
لرستان	۱۷۱۶۵۲۷	۲۸۲۹۴	۷۶۸۹۲۴	۶۱	۲/۲
مازندران	۲۹۲۲۴۳۲	۲۳۷۰۱	۳۶۰۶۵۷	۱۲۳	۸/۱
مرکزی	۱۳۵۱۲۵۷	۲۹۱۳۰	۲۹۰۸۵۲	۴۶	۲
هرمزگان	۱۴۰۳۶۷۴	۷۰۶۶۹	۱۲۹۱۴۷	۲۰	۱۰/۹
همدان	۱۷۰۳۲۶۷	۱۹۳۶۸	۸۴۴۵۸۰	۸۸	۲
یزد	۹۹۰۸۱۸	۱۲۹۲۸۵	۱۳۱۲۶۵	۸	۷/۵

* شامل زمینهای زیر کشت، آیش، باغ و قلمستان

** مقدار به عدد صحیح گرد شده است

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، نتایج کلی، کل کشور و سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۵

۴- توزیع جمعیت بر حسب شهرنشینی، روستا نشینی و کوچ نشینی:

معیارهای مختلفی برای تفکیک جمعیت به شهر نشین، روستا نشین و کوچ نشین (عشایری) وجود دارد. از جمله نوع معیشت، چگونگی روابط اجتماعی و تعداد جمعیت. در ایران تا سال ۱۳۶۳ تمایز نقاط شهری از روستائی تعداد جمعیت بود و در سرشماریهای سال ۳۵، ۴۵، ۵۵ نقاط دارای کمتر از پنج هزار نفر، روستا و بیش از پنج هزار نفر شهر محسوب شدند. البته استثنائاتی نیز در این مورد وجود داشت. چنانچه در سالهای ۳۵، ۴۵، ۵۵ به ترتیب ۱۳، ۲۱ و ۶ نقطه کمتر از پنج هزار نفر بدلیل مرکز شهرستان بودن شهر به حساب آمدند. در سرشماریهای سال ۶۵، ۷۵ و ۸۵ نقاط دارای شهرداری شهر و محلهای فاقد شهرداری روستا خوانده شدند. ظاهراً وزارت کشور در تبدیل مراکز روستائی به شهری و ایجاد شهرداری معیارهایی را در نظر داشته است. ولی این معیارها در هیچ نشریه ای (از جمله نشریه های سرشماری مرکز آمار ایران) توضیح داده نشده است.

جمعیت عشایری در سرشماریهای نفوس و مسکن ایران جزء جمعیت روستائی به حساب آمده و اگر ارقام جداگانه ای از جمعیت عشایری در دفاتر سرشماری و یا سالنامه های آماری کشور آمده باشد، تنها شامل جمعیت در حال کوچ در زمان سرشماری است. در زیر ابتدا جمعیت شهر نشین و روستا نشین (از جمله عشایری) و سپس جمعیت عشایری جداگانه مورد بررسی قرار می گیرد.

الف- نسبت شهر نشینی- روستا نشینی

تخمین ها و برآوردهائی که قبل از سال ۱۳۳۵ به عمل آمده حاکی است که تا سال ۱۳۲۰ نسبتهای شهر نشینی-روستا نشینی به کندی تغییر یافته است. طبق برآورد صنیع الدوله در سال ۱۲۵۲ هجری شمسی حدود ۱۳ درصد کل جمعیت، شهر نشین، ۴۴ درصد روستا نشین و ۴۳ درصد بقیه کوچ نشین بوده اند. ژنرال شیندلر این نسبت ها را در سال ۱۲۶۲ به ترتیب ۲۶، ۴۹ و ۲۵ درصد و جرج کرزن در سال ۱۲۷۰، ۲۵، ۵۰ و ۲۵ درصد ذکر کرده است. (عیسوی ۱۳۶۲: ۴۸) جولیان باریر برآورد کرده است که نسبت شهر نشینی جمعیت ایران در سال ۱۲۸۰ هجری شمسی ۲۱ درصد، روستا نشینی (از جمله عشایری) ۷۹ درصد بوده است که تا سال ۱۳۲۰ به کندی تغییر یافته است

(باریر، ۱۳۶۳: ۳۶). بر مبنای نتایج سرشماری نفوس و مسکن ایران درصد شهر نشینی در سال های ۳۵، ۴۵، ۵۵، ۶۵، ۷۵ و ۸۵ به ترتیب ۳۱/۴، ۳۷/۹، ۴۷، ۵۴/۳، ۶۱/۳ و ۶۸/۴ درصد بوده است.

(جدول شماره ۳)

جدول شماره ۳- تغییرات نسبت (درصد) شهرنشینی-روستا نشینی در ایران

سال	شهرنشینی	روستا نشینی
۱۲۵۲	۱۳	۸۷
۱۲۶۲	۲۶	۷۴
۱۲۷۰	۲۵	۷۵
۱۲۸۰	۲۱	۷۹
۱۳۱۳	۲۱	۷۹
۱۳۲۰	۲۲	۷۸
۱۳۳۵	۳۱/۴	۶۸/۶
۱۳۴۵	۳۷/۹	۶۲/۱
۱۳۵۵	۴۷	۵۳
۱۳۶۵	۵۴/۳	۴۵/۷
۱۳۷۵	۶۱/۳	۳۸/۷
۱۳۸۵	۶۸/۴	۳۱/۶

مأخذ: سال ۱۲۵۲، خزانه و سادات دربندی، سال ۱۲۶۲ و ۱۲۷۰، عیسوی، سال ۱۲۸۰، ۱۳۱۳ و ۱۳۲۰ باریر، وسالهای ۳۵ تا ۷۵ مرکز آمار ایران (نماگرهای جمعیتی ایران) سال ۱۳۸۵، مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵

روند نسبتهای شهر نشینی در پنجاه سال گذشته حکایت از رشد شتابان آن دارد. در توجیه افزایش نسبت (درصد) شهر نشینی در ایران نظریه های متفاوتی ابراز شده است. از جمله گفته شده که پنج علت اصلی در رشد جمعیت شهری ایران موثر بوده است: ۱- رشد ضوابط سرمایه داری و همراه با آن مکانیزه شدن هر چه بیشتر اقتصاد ملی ۲- سیاست های دولتی و تبعیض های شهری ۳- انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و پیامدهای آن ۴- جنگ ایران و عراق ۵- بازسازی پس از جنگ. هر یک از این عوامل به نحوی خاص به رشد شهرهای ایران کمک کرده و به روند کنترل ناپذیر آن سرعت

بیشتری بخشیده اند. (کامروا، ۱۳۷۳: ۶۵) و یا ادعا شده که توزیع فضائی کانونهای شهری، تابع برنامه ها و طرحهای توسعه مبتنی بر تمرکز بوده است و بخش عمده فعالیتها و سرمایه گذاری ها در کانونهای بزرگ شهری صورت گرفته است. (ارجمند نیا، ۱۳۷۰: ۱۳) از دیدگاهی دیگر شهرنشینی به گونه خاص ایران همانند بسیاری از کشورهای توسعه نیافته بازتاب فضائی تحول در سازمان یابی تولید و بطور مشخص بازتاب بسط سرمایه داری پیرامونی در ایران بوده است. بسط امکانات اشتغال و زندگی در برخی نقاط (عمدتا شهری) بر اثر توسعه مناسبات سرمایه داری از یک سو، کاهش این امکانات در نقاط دیگر (عمدتا روستا) بر اثر فروپاشی مناسبات پیشین سرمایه داری از سوی دیگر زمینه مهاجرتهای داخلی و شهرنشینی در ایران را فراهم آورده است. در این معنا شهرنشینی در ایران بیان فضائی یا انعکاس فضائی در گذار از مناسبات پیش سرمایه داری به مناسبات سرمایه داری است (حسامیان، ۱۳۶۳: ۱۵).

ب- نقاط شهری - روستائی:

جولیان باریر تعداد نقاط شهری ایران در سال ۱۲۷۹ را یکصد نقطه شهری می داند (باریر، ۱۳۶۳: ۴۲) این تعداد در اولین سرشماری نفوس ایران در سال ۱۳۳۵، ۱۹۹ نقطه شهری بوده که در سرشماری ۱۳۴۵ به ۲۷۰، در سرشماری ۱۳۵۵ به ۳۷۳، در سرشماری ۱۳۶۵ به ۴۹۶ نقطه شهری، در سرشماری ۱۳۷۵ به ۶۱۲ نقطه شهری و در سرشماری ۱۳۸۵ به ۱۰۱۲ نقطه شهری افزایش یافته است. (مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن سالهای مختلف)

در توزیع فضائی جمعیت شهری ایران سه چالش مهم قابل ذکر است: تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ، تغییرات شبکه شهری و الگوی سلسله مراتب شهری. سهم عمده ای از جمعیت شهری ایران در شهرهای بزرگ گرد آمده است. به ترتیبی که در سال ۱۳۸۵، ۵۷/۸ درصد جمعیت شهری در ۲۷ شهر ۲۵۰۰۰۰ نفر و بیشتر زندگی می کرده اند. سهم تهران به تنهایی ۱۴/۷ درصد کل جمعیت شهری و پنج کلان شهر یک میلیونی و بیشتر دیگر، یعنی اصفهان، تبریز، شیراز، کرج و مشهد مجموعاً ۱۶/۷ درصد جمعیت شهری ایران را در خود جای داده اند. در آبان ۱۳۸۵ تعداد ۷ شهر

۵۰۰ هزار تا کمتر از یک میلیون نفر یعنی ارومیه، اهواز، رشت، زاهدان، قم، کرمان، کرمانشاه نیز ۱۰/۳ درصد جمعیت شهری را دارا بوده اند. در واقع، ۴۱/۷ درصد جمعیت شهری ایران در ۱۳ شهر دارای ۵۰۰ هزار نفر و بیشتر زندگی می کرده اند. تعداد شهرهای صد هزار و بیشتر ۸۱ شهر بوده که در مجموع ۷۰ درصد جمعیت شهری ایران را دارا بوده اند و بقیه شهرهای ایران یعنی ۸۳۱ شهر کمتر از صد هزار نفر فقط شامل ۳۰ درصد بقیه جمعیت شهری می شده اند. (جدول شماره ۴)

در رابطه با شبکه شهری ایران دو نظریه متفاوت وجود دارد. یک نظر آن است که روابط زنجیره ای بین پایتخت (متروپل)، شهرهای اصلی، شهرهای متوسط و روستاها و حومه های اطراف آن همچنان مانند گذشته برقرار است. فرق اساسی این است که به جز تهران که به عنوان پایتخت کشور ویژگیهای خاصی دارد، در حال حاضر اکثر شهرهای اصلی برای مناطق اطراف خود و شهرکها و روستاهای حومه نقشی مرکزی بازی کرده و اهمیت خاصی از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارند (کامروا، ۱۳۷۳: ۶۴) نظر دیگر اینست که شبکه کهکشانی و همگون شهری ایران از هم گسسته شده و شکل زنجیره ای (خطی) یافته است. در نتیجه یک نوع واگرایی در شهرهای بزرگ و گاه میانی و بخصوص متروپل تهران دیده می شود. یعنی هر شهر کوچک یا متوسط و حتی در مواردی هر روستا مستقیماً با متروپل اصلی در ارتباط اند (اعتماد، ۱۳۶۳: ۱۲۵-۱۵۶).

جدول شماره ۴- طبقه بندی جمعیتی شهرهای کشور

۱۳۸۵		۱۳۷۵		۱۳۶۵		طبقه بندی جمعیتی
درصد جمعیت	تعداد شهر	درصد جمعیت	تعداد شهر	درصد جمعیت	تعداد شهر	
۱۰۰	۱۰۱۲	۱۰۰	۶۱۲	۱۰۰	۴۹۶	جمع
۵۲/۷۸	۲۷	۵۴/۷۲	۲۳	۵۲/۹۸	۱۶	۲۵۰۰۰۰ نفر و بیشتر
۱۷/۳۵	۵۴	۱۳/۹۴	۳۶	۱۴	۲۵	۲۴۹۹۹۹-۱۰۰۰۰۰ نفر
۱۰/۰۳	۷۰	۱۱/۵۷	۶۰	۱۱/۷۵	۴۶	۹۹۹۹۹۹-۵۰۰۰۰ نفر
۷/۵۶	۱۰۰	۸/۹۹	۹۴	۸/۶۴	۶۷	۴۹۹۹۹۹-۲۵۰۰۰ نفر
۶/۸۹	۲۱۰	۷	۱۶۶	۸/۵۷	۱۴۵	۲۴۹۹۹۹-۱۰۰۰۰۰ نفر
۳/۵۵	۲۳۹	۳	۱۵۰	۳/۱	۱۱۳	۹۹۹۹۹-۵۰۰۰۰ نفر
۱/۸۴	۳۱۲	۰/۷۸	۸۳	۰/۹۶	۸۴	کمتر از ۵۰۰۰ نفر

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، نتایج کلی، کل کشور

از نظر نظام سلسله مراتب شهری، شهرهای ایران از الگوی نخست شهری تبعیت می کنند. در این الگو شهر نخست (پایتخت و یا مرکز استان) چندین برابر دومین شهر جمعیت دارد. برای مثال تهران حدود سه برابر مشهد و شهر اصفهان بیش از ۶ برابر دومین شهر استان اصفهان یعنی کاشان جمعیت دارد. در الگوی آرمانی مرتبه-اندازه شهر دوم $\frac{1}{4}$ شهر اول، شهر سوم $\frac{1}{3}$ و شهر چهارم $\frac{1}{4}$ شهر نخست (و به همین ترتیب) جمعیت دارد. بر این اساس نسبت شهر دوم به شهر اول $0/5$ ، به شهر سوم $0/33$ و به شهر چهارم $0/25$ باید باشد. در حالیکه این نسبتها برای شهرهای مشهد، اصفهان و تبریز در سال ۱۳۸۵ به ترتیب $0/3$ ، $0/2$ و $0/2$ بوده است. (مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۵)

از تعداد نقاط روستائی ایران قبل از سال ۱۳۳۵ اطلاع دقیقی در دست نیست. جولیان باریر تعداد نقاطی را که در سال ۱۲۷۹ دارای جمعیتی بین ۵۰ تا کمتر از ۵۰۰۰ نفر بوده اند ۳۱۷۸۰ ذکر کرده است. (باریر، ۱۳۶۳ : ۴۶) تعداد نقاط روستائی کمتر از ۵ هزار نفری ایران در سال ۱۳۳۵ به ترتیب ۴۹۰۰۰ روستا بوده که در سال ۱۳۴۵ به ۶۵۳۹۸ و در سال ۱۳۵۵ به حدود ۶۶ هزار عدد افزایش یافته است. بر مبنای سرشماری سالهای ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ تعداد نقاط روستائی ایران به ترتیب ۶۵۳۴۹، ۶۸۱۲۵ و ۶۳۹۰۴ عدد بوده است. (مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵) به نظر می رسد که تا قبل از سال ۱۳۳۵ تعداد روستاها (تا اندازه ای به علت ساکن شدن عشایر) سریعتر از تعداد شهرها افزایش یافته و رشد برخی شهرها به سبب مهاجرت از شهرهای دیگر بوده است. اما در دهه های اخیر، به علت افزایش مهاجرت از روستا به شهر، تعداد شهرها سریعتر از روستاها افزایش یافته است.

طبقه بندی روستاهای ایران در سال ۱۳۸۵ نشان می دهد که اکثریت جمعیت روستائی ایران (۷۴/۵در صد) در نقاطی زندگی می کنند که بین ۱۰۰ تا ۲۴۹۹ نفر جمعیت دارد. نقاط دارای جمعیت ۲۵۰۰ تا ۴۹۹۹ نفر ۱۲/۵ درصد و نقاط دارای ۵۰۰۰ نفر و بیشتر ۸/۵ درصد جمعیت روستائی را دارا بوده اند. بیش از $\frac{1}{4}$ جمعیت روستائی در نقاط ۱۰۰ تا ۴۹۹ نفر زندگی می کرده

اند. در این میان ۲۸۲۷۹ روستای کمتر از صد نفری نیز وجود داشته که ۴/۵ درصد جمعیت روستائی در آن به سر می برده اند.

جدول شماره ۵- طبقه بندی آبادیهای دارای سکنه

۱۳۸۵		۱۳۷۵		۱۳۶۵		طبقه بندی جمعیتی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰۰	۶۳۹۰۴	۱۰۰	۶۸۱۲۵	۱۰۰	۶۵۳۳۹	جمع
۸/۴۸	۲۱۶	۸/۹۶	۲۳۴	۷/۷۸	۱۹۴	۵۰۰۰ نفر و بیشتر
۱۲/۴۶	۸۲۷	۱۲/۹۶	۸۹۴	۱۱/۴۴	۷۶۷	۲۵۰۰-۴۹۹۹ نفر
۲۷/۲۲	۳۹۸۲	۲۷/۰۲	۴۱۵۰	۲۶/۳۱	۳۹۵۰	۱۰۰۰-۲۴۹۹ نفر
۲۱/۳۴	۶۷۴۷	۲۰/۹۸	۶۹۴۵	۲۲/۲۳	۷۱۱۴	۵۰۰-۹۹۹ نفر
۲۵/۹۶	۲۳۸۵۳	۲۵/۴	۲۴۱۳۴	۲۶/۶۰	۲۵۲۰۳	۱۰۰-۴۹۹ نفر
۲/۸۵	۸۶۳۶	۲/۸۵	۹۰۸۳	۲/۹	۸۹۶۲	۵۰-۹۹ نفر
۱/۰۷	۶۵۲۰	۱/۱۵	۷۳۸۱	۱/۱۵	۷۱۰۲	۲۵-۴۹ نفر
۰/۶۲	۱۳۱۲۳	۰/۶۷	۱۵۳۰۴	۰/۵۹	۱۲۰۵۷	۱-۲۴ نفر

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، نتایج کلی، کل کشور

ج- رشد جمعیت شهری - روستائی:

به نظر می رسد که تا قبل از سال ۱۳۰۰ هجری شمسی به علت همسانی میزانهای مرگ و میر و مولید در شهر و روستا و کندی تحرک و جابجائی جمعیت، میزان رشد جمعیت در نقاط شهری و روستائی به تقریب برابر یکدیگر بوده است. این میزان برای سالهای ۱۲۵۰ تا ۱۳۰۰ بین ۰/۶ تا ۰/۸ درصد بر آورد شده است. میزان مولید در شهر و روستا در سطح بالا و در حد باروری طبیعی بوده است. روشهای جدید جلوگیری از باروری معمول نبوده، ولی برخی روشهای سنتی برای فاصله گذاری بین فرزندان رواج داشته است. بالا بودن میزان مرگ و میر، بویژه نوزادان و کودکان و بروز قحطی و بیماریهای مسری، میزان بالای مولید را خنثی می کرده است. میزان مرگ و میر بویژه نوزادان و کودکان در روستاها بیش از شهرها بوده، ولی در عوض شهرها در مقابل بیماریهای واگیر آسب پذیر بوده و به علت تمرکز جمعیت، تلفات بیشتری داشته اند.

از سال ۱۳۰۰ تا حدود سال ۱۳۱۳ رشد جمعیت ایران چه در مناطق شهری و چه در مناطق روستائی به دلیل کاهش میزان مرگ و میر تقریباً به یک اندازه افزایش یافته است. پس از سال ۱۳۱۳ بین میزان رشد جمعیت شهری و جمعیت روستائی بطور فزاینده ای فاصله افتاده که نشان دهنده افزایش میزان های خالص مهاجرت از روستا به شهر است. میزان موالید و مرگ و میر در مناطق شهری و روستائی نیز تغییر یافته است. کاهش مرگ و میر در شهرها بیش از روستاها بوده و به رغم همه گیر شدن مبارزه با مرگ و میر، میزان مرگ و میر بویژه مرگ و میر نوزادان و کودکان در روستاها بیش از شهرها بوده است. برآورد شده که در فاصله سالهای ۱۳۱۳-۱۳۰۶ رشد جمعیت سالانه شهری و روستائی ایران تقریباً برابر و حدود ۱/۵ درصد و بین سالهای ۱۳۱۹-۱۳۱۴ رشد جمعیت شهری ۲/۳ درصد و رشد جمعیت روستائی ۱/۳ درصد در سال بوده است. در فاصله سالهای ۱۳۳۵-۱۳۲۰ رشد جمعیت شهری ۴/۴ درصد و رشد جمعیت روستائی ۱/۴ درصد برآورد شده است. (باریر، ۱۳۶۳:

(۴۲)

مقایسه رشد جمعیت شهری و روستائی ایران در فاصله سالهای سرشماری (۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵) نشان می دهد که جمعیت شهری رشدی به مراتب بیش از جمعیت روستائی داشته و رشد سالانه آن بین سرشماریها به ترتیب ۵/۰۲، ۴/۹۳، ۵/۴۱، ۳/۲۱ و ۲/۷۴ درصد بوده است. در واقع رشد جمعیت شهری به مراتب بیش از رشد طبیعی (ناشی از تفاوت موالید و مرگ و میر) می باشد. در افزایش رشد جمعیت شهری گذشته از رشد طبیعی سه عامل دیگر موثر بوده است: مهاجرت از مناطق روستائی، تغییر محدوده جغرافیائی شهرها و اضافه شدن جمعیت روستائی حومه شهرها به جمعیت شهری و تبدیل مناطق روستائی به شهر.

د- نظری به جمعیت عشایری ایران

کوه های زاگرس مهمترین قلمرو زندگی کوچ نشینی در ایران است و طوایف مختلف کرد، لر، بختیاری، قشقائی و ایلات خمسه در این منطقه زندگی می کنند. بعد از ناحیه مذکور منطقه جنوب

شرقی بحر خزر و شمال خراسان محل زندگی ترکمانان و نواحی آذربایجان شرقی، محل استقرار عشایر ایلسون، مهمترین مناطق عشایری ایران به شمار می روند.

جدول شماره ۶- رشد جمعیت کل کشور، مناطق شهری و مناطق روستائی

دوره محاسبه رشد	کل کشور	مناطق شهری	مناطق روستائی
۱۲۷۹-۱۳۰۵	۰/۸	۰/۸	۰/۸
۱۳۰۶-۱۳۱۳	۱/۵	۱/۵	۱/۵
۱۳۱۴-۱۳۱۹	۱/۵	۲/۳	۱/۳
۱۳۲۰-۱۳۳۵	۲/۲	۴/۴	۱/۴
۱۳۳۵-۱۳۴۵	۳/۱	۵/۰۲	۲/۱۳
۱۳۴۵-۱۳۵۵	۲/۷	۴/۹۳	۱/۱۱
۱۳۵۵-۱۳۶۵	۳/۹	۵/۴۱	۲/۳۹
۱۳۶۵-۱۳۷۵	۱/۹۶	۳/۲۱	۰/۲۸
۱۳۷۵-۱۳۸۵	۱/۶۲	۲/۷۴	-۰/۴۴

مأخذ: تا سال ۱۳۳۵، باریر، اقتصاد ایران، از سال ۱۳۳۵ به بعد نتایج سرشماری نفوس و مسکن

تعیین تعداد دقیق جمعیت عشایری ایران با توجه به معیارهای مختلف کوچ نشینی و تداخل آنها در جمعیت روستائی کاری مشکل و شاید غیر ممکن باشد. معیارهای ارائه شده بعضاً وابستگی ایلی، کوچرو بودن (بیلاق و قشلاق کردن) و یا زندگی در چادر را صفت مشخصه زندگی عشایری دانسته اند. از این روی تعیین مرز بین چادر نشینی بویژه آن دسته از عشایر که نیمه یکجا نشین شده و در بیلاق یا قشلاق در مساکن معمولی زندگی می کنند، با روستائیان مشکل می شود.

از تعداد جمعیت عشایری ایران در گذشته آمار تخمینی در دست است. طبق برآورد شیندلر، زولوتولیف و کرزن جمعیت عشایری ایران در دهه ۱۲۶۰ هجری شمسی حدود ۲۵ درصد از کل جمعیت ۶ الی ۹ میلیون نفری ایران را تشکیل می داده است (جدول شماره ۶) به نظر جولیان باریر از تعداد ۷,۷۹۰,۰۰۰ نفر کل جمعیت ایران در سال ۱۲۷۹ تعداد ۲,۴۵۰,۰۰۰ نفر یا نزدیک به ۲۵

درصد آن عشایر بوده اند. در اواخر دهه ۱۳۰۰ و دهه ۱۳۱۰ به علت فشارهایی که برای اسکان عشایر اعمال گردید، تعداد عشایر کوچنده به یک میلیون نفر کاهش یافت، اما طی دهه ۱۳۲۰ این رقم مجدداً به نزدیک ۲ میلیون نفر رسید (باریر، ۱۳۶۳: ۴۵)

مرکز آمار ایران با توجه به کمبودها و نارسائیهای آمارهای جمعیت عشایری و به خاطر برآورد نیازها و برنامه ریزیهای مختلف برای جامعه مذکور، طرح سرشماری جداگانه ای بنام سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده ایران را در سه مرحله (مرحله اول در تابستان ۱۳۶۶ و مرحله دوم تابستان ۱۳۷۷ و مرحله سوم در تابستان ۱۳۸۷) به اجرا در آورده است. نتایج سرشماری عشایر کوچنده در تابستان ۱۳۶۶ تعداد ایل های کوچنده را ۹۶ و طایفه های مستقل را ۵۴۷ ذکر کرده است. بر مبنای سرشماری فوق تعداد کل جمعیت عشایر کوچنده ۱۱۵۲۰۹۹ نفر و نسبت جنسی آنها ۱۰۸ بوده که بیش از نسبت جنسی جامعه شهری و روستایی است (امیر احمدی، ۱۳۷۴: ۳۵)

بر مبنای نتایج سرشماری سال ۱۳۶۶ اندکی بیش از $\frac{1}{3}$ جمعیت عشایر کوچنده عضو دو ایل بختیاری و قشقایی بوده اند و دو استان یزد و کردستان فاقد عشایر کوچنده بوده اند.

(بذر افکن، ۱۳۷۱: ۳۱)

جدول شماره ۷- برآورد جمعیت عشایری ایران در نیمه دوم قرن سیزدهم-هزار نفر

نوع جمعیت	شیندلر	زولو تولیف	کرزن	صنیع الدوله
کل جمعیت	۷۶۵۴	۶۰۰۰	۱۲۷۰	۱۲۵۲
جمعیت عشایری	۱۹۱۰	۱۵۰۰	۲۲۵۰	۵۰۰۰
درصد از کل	۲۴/۹۵	۲۵	۲۵	۴۳/۴۸

مأخذ: عیسی، ۱۳۶۲، تاریخ اقتصادی ایران، خزانه و سادات دربندی ۱۳۵۲، پیش بینی و گذشته نگری جمعیت شهری و روستایی ایران

در سرشماری سال ۱۳۷۷ جمعیت عشایری که در مجموع ۱۲۵۰۸۳۹ نفر بوده به سه گروه تقسیم شده است: گروه اول که در کوچ بیلابقی مسیری به طول ۳۰ کیلومتر و بیشتر را طی کرده اند، شامل ۹۱۰۷۱۹ نفر و نسبت جنسی آنها ۱۰۸ بوده است. از جمعیت مزبور ۴۳/۲ درصد گروه سنی کمتر از ۱۵ سال، ۵۳ درصد در گروه سنی ۱۵-۶۴ سال و ۴ درصد در گروه سنی ۶۵ سال و بیشتر قرار داشته اند.

گروه دوم که قبل از سرشماری مسیری به طول کمتر از ۳۰ کیلومتر را طی کرده اند، ۳۲۹۰۰۸ نفر و نسبت جنسی آنها ۱۰۶ بوده است. ساختار سنی آنها تقریباً شبیه گروه اول بوده و ۴۳/۶ درصد در گروه سنی کمتر از ۱۵ سال، ۵۱/۸ درصد در گروه سنی ۱۵-۶۴ سال و ۳/۸ درصد در گروه سنی ۶۵ سال و بیشتر قرار داشته اند. گروه سوم که تعداد آنها ۱۱۱۱۲ خانوار و جمعیت آنها بالغ بر ۶۴۳۶۲ نفر بوده در کوچ بیلابقی قبل از سرشماری شرکت نکرده اند. هرم های سنی ترسیم شده بر مبنای تقسیم بندی بر حسب گروههای سنی پنجساله حکایت از آن دارد که در دو گروه اول باروری همانند جوامع شهری و روستائی از سال ۱۳۶۷ به کندی و از سال ۱۳۷۲ با سرعت بیشتری رو به کاهش گذاشته است، ولی کاهش باروری در گروه سوم از سال ۱۳۷۲ شروع شده است. فرورفتگی در جمعیت ۰-۴ سال و ۵-۹ سال دو گروه اول و دوم و فرورفتگی در جمعیت ۰-۴ سال گروه سوم این کاهش را تأیید می کند (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۸: ۸۳، ۱۳۳ و ۱۸۱)

سومین سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده کشور در تیر ماه ۱۳۸۷ به اجراء آمده است. بر مبنای نتایج به دست آمده جمعیت عشایر کوچنده ایران ۱/۱۸۶/۸۳۰ نفر شامل ۲۱۲/۶۶۰ خانوار و نسبت جنسی آن ۱۰۵ می باشد. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸ لف: ۱۳) در هرم سنی سر شماری ۱۳۸۷ نیز در دو گروه سنی ۰-۴ و ۵-۹ سال فرورفتگی قابل ملاحظه ای دیده می شود و در جدول توزیع گروه های سنی پنج ساله نیز، تعداد جمعیت گروه سنی ۰-۴ سال و گروه سنی ۵-۹ سال تقریباً برابر و هر دو گروه کمتر از تعداد جمعیت ۱۴-۱۰ سال است که حاکی از ادامه کاهش باروری در جمعیت عشایری می باشد. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸: ۱۹-۲۰)

نتیجه گیری

ناهماهنگی در توزیع مکانی جمعیت ایران معلول عوامل طبیعی؛ اقتصادی؛ اجتماعی؛ فرهنگی و سیاسی است. این ناهماهنگی در چند دهه اخیر تحت تاثیر مهاجرت روستائیان به شهرها و مهاجرت از شهرهای کوچک و متوسط به شهرهای بزرگ تشدید شده است. این جابجائی ها که خود نتیجه ناهماهنگی در توزیع منابع و امکانات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است سبب تشدید و افزایش نابرابری شده و دورباطلی را به وجود آورده که با اهداف توسعه پایدار ناسازگار است. از این رو لازم است در جهت باز توزیع جمعیت ایران برنامه ریزیهای جدیدی صورت گیرد. این برنامه ها باید شامل اقداماتی برای افزایش توان اقتصادی استانهای محروم به ویژه روستاها و شهرهای کوچک آنها باشد.

نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ نشان دهنده کاهش قابل ملاحظه رشد جمعیت ایران است ولی این کاهش عمدتاً در استانهای توسعه یافته تر دیده می شود. برای مثال رشد سالانه جمعیت در استان سیستان و بلوچستان در فاصله سالهای ۸۵-۱۳۷۵ بیش از دو برابر میانگین کل کشور بوده است و بعد خانوار آن نیز بالاتر از همه استانها می باشد. در کهگیلویه و بویراحمد نیز سطح باروری هنوز بالاست.

تعداد روستاهای استانهای سمنان؛ خراسان جنوبی؛ کرمان؛ اصفهان؛ یزد؛ هرمزگان و سیستان و بلوچستان که در حاشیه کویر نمک و کویرلوت قرار گرفته اند به علت خشکسالی در حال کاهش است. مهاجرت از مناطق روستائی استانهای مذکور به طرف شهرهای استان و استانهای دیگر ادامه دارد. رشد سالانه جمعیت شهری این استانها بیش از میانگین رشد جمعیت شهری در کل کشور است.

شبکه شهری ایران به دلیل تاثیرات برون مرزی و سیاستهای داخلی تا حدودی از هم پاشیده است و سلسله مراتب شهری نشان از تسلط الگوی نخست شهری دارد. تمرکز بنگاههای اقتصادی فرصتهای شغلی تازه ای در شهرهای بزرگ بوجود آورده و موسسات آموزشی و رفاهی و تفریحی

جاذبه این شهرها را روز به روز بیشتر می کند. این در حالیست که در آمد از راه کشاورزی کاهش یافته و بیشتر روستاها از امکانات لازم برای برآوردن نیازهای جمعیت خود بی بهره اند. به همین دلیل؛ سیل مهاجرت به طرف شهرها با شدت ادامه دارد.

تعداد جمعیت عشایری ایران در دو دهه اخیر به دلیل اسکان یا مهاجرت به شهرها تقریباً ثابت مانده است این رهروان کوه و دشت که با حداقل امکانات به زندگی خود ادامه می دهند نیاز به سرپناه خوراک و پوشاک مناسب و امکانات بهداشتی و آموزشی بهتر دارند. اکنون که اطلاعات لازم از سرشماریهای عشایر کوچنده بدست آمده لازم است برای بهروزی آنان تلاشهای تازه ای صورت گیرد.

در یک جمع بندی کلی در جهت متعادل کردن توزیع مکانی جمعیت ایران برنامه ریزیهای همه جانبه برای نقاط کم جمعیت (روستاها و شهرهای کوچک) و افزایش توان جاذبه شهرهای متوسط به صورتی که بتوانند سرریز جمعیت روستائی و شهرهای کوچک را جذب کنند باید در اولویت قرار گیرد.

منابع:

- ارجمند نیا، اصغر، نظام اسکان جمعیت و نقش شهرهای میانه، مجموعه مقالات سمینار جمعیت و توسعه (شهریور ۱۳۶۷) جلد اول، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۰، تهران.
- امیر احمدی، بهرام، جمعیت عشایری ایران، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل جمعیتی ایران، اردیبهشت ۱۳۷۲، جلد اول، مرکز جمعیت شناسی دانشگاه شیراز، ۱۳۷۴.
- بذرافکن، فریدون (۱۳۷۱) عشایر در سال ۱۳۶۶، گزیده مطالب آماری، شماره ۳۳، مرکز آمار ایران
- باربر، جولیان (۱۳۶۳) اقتصاد ایران، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه، تهران.
- حسامیان، فرخ، گیتی اعتماد و محمد رضا حائری (۱۳۶۳) شهر نشینی در ایران، انتشارات آگاه، تهران.
- خزانه، حبیب... و ابوالقاسم سادات دربندی (۱۳۵۲) پیش بینی و گذشته نگری جمعیت شهری و روستایی ایران تا سال ۱۳۷۰، مرکز آمار ایران.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲) تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، نشر گستره، تهران.
- کامروا، مهران، بحران شهر نشینی در ایران، ماهنامه فرهنگی و هنری کلک، شماره ۵۷، آذر ۱۳۷۳.
- مرکز آمار ایران (۱۳۴۶) سرشماری عمومی نفوس و مسکن، آبان ماه ۱۳۴۵، کل کشور.
- مرکز آمار ایران (۱۳۵۹) سرشماری عمومی نفوس و مسکن، آبان ماه ۱۳۵۵، کل کشور.
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۷) سرشماری عمومی نفوس و مسکن، آبان مهرماه ۱۳۶۵، کل کشور.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۶) سر شماری عمومی نفوس و مسکن، آبان ماه ۱۳۷۵، کل کشور.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۷) سر شماری عمومی نفوس و مسکن، آبان ماه ۱۳۸۵، نتایج کلی، کل کشور.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۷) سر شماری عمومی نفوس و مسکن، آبان ماه ۱۳۸۵، نتایج تفصیلی، کل کشور.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۸) سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده کشور - ۱۳۷۷، نتایج تفصیلی، کل کشور.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۸الف) سر شماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده کشور - ۱۳۸۷، جمعیت عشایری دهستان ها، کل کشور
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۸ب) سر شماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده، نتایج تفصیلی، کل کشور.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۶) سالنامه آماری کشور ۱۳۸۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۷) نماگرهای جمعیتی ایران ۷۵-۱۳۳۵
- مهاجرانی، علی اصغر، توزیع مکانی جمعیت ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۳ تابستان ۱۳۶۸.